ای یاران الهی عصر است و جمیع امم و ملل در حبس و حصر مگر آزادگان الهی و احرار و ابرار در آستان مقدس نامتناهی زندانی تنگ‌تر از عالم امکان نه و نوع انسان در این زندان پریشان و سرگردان هر نفسی از قیود این قفس آزادی یافت براحت نفسی کشید ولی سائرین مانند کرم مهین در طبقه پست‌ترین زمین اسیر ماء و طین خراطین ارض شدند و عالم وجود را منحصر بجهان خاک فرض کردند سبحان الله زندانیان چنان گمان نمودند که طیر گلشن الهی را در قفس زندان حبس توان نمود و نفس مشکینش را قطع توان کرد بلبل گلبن معانی چون شهپر تقدیس بگشاید در لانه لامکان آشیانه نماید از زمان و مکان فارغ است و مانند نجم بازغ در افق انقطاع طالع و لائح ای یاران الهی در سبیل جمال مبارک قسم بروی دلجویش زندان ایوان کیوان است و سجن پرمحن گلشن آسمان

رب رب زدنی ذلی و بلائی و محنی و ابتلائی فی سبیلک لان هذا غایة بغیتی و منتهی موئلی و راحة روحی و فرحی و سروری حبا بجمالک و توجها الی ملکوت قیومیتک ای رب هؤلاء عبادک توجهوا ببابک بقلوب صافیة و نفوس زکیة و ارواح مستبشرة و آذان صاغیة و عقول واعیة و اعین باکیة فی محبتک رب زدهم حبا و عرفانا و عزا و شرفا و مقاما و اجعلهم ائمة یرثوا ملکوتک و یتضرعوا الی جبروتک و یستفیضوا من فیض لاهوتک انک انت القوی المقتدر العزیز الکریم المستعان

ای احبای الهی هر چند گرگان در کمینند و درندگان خشمگین تا آهوان بر وحدت را بدست آرند و آنچه مقتضای طینت است مجری دارند ولی شما توکل بحضرت دوست نمائید و تجرد از مغز و پوست جوئید واقف سر فدا گردید و قائم بخدمت جمال ابهی فرح و سرور در انقطاع و انجذاب و اشتیاق بملکوت ابهاست و تا نشئهء صهبای محبت الله حاصل نگردد نور فرح الهی و سرور رحمانی ندرخشد اگر جمیع اسباب وجد و طرب و شادمانی آماده گردد و نفحه روحانی نوزد عاقبتش نومیدیست و حسرت ابدی لهذا باید احبای الهی جمیع توجهشان بملکوت رحمانی باشد تا ابواب سرور و شادمانی از جمیع جهات مفتوح گردد